

## یکپارچگی مردم سوریه در برابر بیزانس

دکتر محمدرضا رحمتی\*

### چکیده

پس از فتح شام به دست مسلمانان، خطر بازستانی آن از سوی امپراتوری روم شرقی بسیار بود. ولی، امپراتوری از این بازستانی بازماند. برجسته ترین عامل ناتوانی روم، وفاق اجتماعی در سوریه آن زمان بود. در این باره، افزون بر منابع، در پژوهشهای بسیاری از نویسندگان باخترزمینی و عرب، نوشته‌هایی ارزشمند یافت می‌شود، ولی تاکنون پژوهشی جداگانه انجام نشده است. در این نوشتار، تلاش بر آن است تا درباره وفاق یاد شده، شناختی افزون به دست آید. در این راستا، زمینه‌های تنش برآمده از دعوای زمین در سوریه آن زمان، منافع سیاسی و اقتصادی بیزانس در آنجا و برنامه مهاجرتهای عربی به سوریه بررسی خواهند شد.

### واژه‌های کلیدی

سوریه، فاتحان، اعراب سوری، تنش، بیزانس، اقتصاد، مهاجرت، همزیستی و نظم.

## مقدمه

جغرافیای سوریه، ساختار اجتماعی آن در گذار تاریخ را همواره ناهمگون می‌ساخته و بدین روی، حکومت کردن بر آن را دشوار نموده است. اعراب نیز، همزمان با فتح دشوار آن سرزمین به سال ۱۶ ه. ق (۱۱ / ج ۴، ص ۱۵۹ و ۶ / صص ۱۵۷-۱۴۴ و دیگر منابع)، با خطر حمله بیزانس روبه‌رو گشتند. راه چاره فاتحان در برابر این دشواری، مهار و هدف‌دار ساختن مهاجرت‌ها به سوریه بود. آنان با این کار، آن سرزمین را از وفاق اجتماعی برخوردار ساخته و توان پایداری در برابر بیزانس را یافتند. شرح این رویدادها را با بررسی جغرافیای سیاسی - تاریخی سوریه آغاز می‌کنم:

سوریه سرزمینی تپه‌ماهوری (۱ / ص ۲۴۴) و دارای نقاط پرت و دورافتاده بسیار است. بدین روی، آن سرزمین در گذار تاریخ، پناهگاه اقلیت‌های دینی و قومی - نژادی بسیاری بوده است که به زیستگاه امن نیاز داشته‌اند (22 / P. 159) هم از این روی، در سوریه شهرهای باستانی و متمایزی هست (۱ / ص ۲۴۴). گونه‌گونی قومی - نژادی و دینی، یکپارچه نمودن سوریه و حکومت کردن بر آن را همواره، دشوار می‌ساخته است. مسلمانان نیز، از همان آغاز فتح آن سرزمین، با دشواری ویژه‌ای روبه‌رو گردیدند (۱ / ص ۲۴۴ و 22 / P. 159).

## تنش در شام

تنش در سوریه پیامدی از چگونگی تقسیم املاک و زمین در آنجا بود. در عراق زمینهای سلطنتی - صوافی - و املاک زمینداران خصوصی بسیار گسترده بود. مالکان این زمینها به گاه حمله عرب رخت بر بسته بودند و زمینهای آنان میان فاتحان تقسیم گردید. ولی در سوریه زمینهای بسیاری از آن کلیسا یا وابسته به آن بود و فاتحان به این زمینها کاری نداشتند (۱۷ / ص ۹۰). ناگفته نماند که پس از رخت بر بستن رومیان و اعراب وابسته به آنان از سوریه، چندین شهر خالی از سکنه شد و کشتزارهای پهناور بسیاری بلا تکلیف ماند (۱۲ / ج ۱، صص ۲۱۵۹، ۲۳۹۲؛ ۶ / صص ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۲-۱۵۰). ولی، این املاک و زمینهای متعلق به امپراتوری و زمینداران خصوصی، در تقسیمه‌بندیهای تقسیم شدنی عراق، اندک بود (۱۷ / ص ۹۰).

از دیگر سوی، در سوریه، فاتحان در آغاز بر آن شدند تا پادگانی در جایه بر بلندیه‌های جولان ساخته و از آنجا بر شامات نظارت و آنرا اداره کنند (۶/ ص ۱۳۱ و ۱۳۹). این تصمیم باعث گردید تا اعراب سوریه که اسلام آورده و برای تملک املاک رها شده منعی نداشتند، آنها را از آن خود سازند (۱۲/ ج ۱، صص ۲۳۹۲، ۲۱۵۹، ۶/ صص ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۲-۱۵۰). بدین روی، در سوریه، زمینی برای تقسیم میان فاتحان باقی نماند و این به معنای بی‌بهره ماندن آنان از دستاوردهای مادی پیرویشان بود. با توجه به فزونی شمار مردم سوریه بر فاتحان (41 / P. 23)، انگیزه هر دو سو برای تصاحب زمینها و نیز اندک بودن نسبی زمین در سوریه (۱۷/ ص ۹۰)، زمینه تنش اجتماعی سختی در آن سامان پدید آمد. هم‌زمان، خطر حمله بیزانس نیز جدی شد.

### خطر حمله بیزانس

امپراتوری روم شرقی برای باز ستاندن شامات، توان بالا و انگیزه‌های بسیار داشت: با آنکه آن امپراتوری، مصر و سوریه را از دست داده بود، ثروتمندترین و پر جمعیت‌ترین ایالت‌های خود در آناتولی و بالکان را همچنان در دست داشت (39 / P. 21). ناگفته نماند که توان امپراتوری بر شبه‌جزایر یاد شده در شمال مدیترانه استوار بود. این شبه‌جزایر به دریا پیوستگی بیشتر داشته و گونه‌ای یکپارچگی پایدار برای بیزانس به ارمغان می‌آورد (20 / P. 204,206). افزون بر این، روم بر خلاف ساسانیان، ذخیره‌های اصلی و مراکز اداره خود را در قسطنطنیه دور از دسترس، دست نخورده نگاه داشت (20 / P. 204). بدین‌سان، بیزانس بی‌آنکه سوریه (و مصر) را داشته باشد، می‌توانست حیات پرشکوه خود را همچنان ادامه دهد (20 / P. 204,206).

با این حال، همان‌گونه که گذشت، روم برای بازستانی سوریه، انگیزه‌هایی نیرومند داشت. بحث در این باره را می‌توان با کشاورزی سوریه آغاز کرد:

دره باریک لبنان در کرانه مدیترانه، با رشته کوه لبنان در شرق و کوه کارمل در جنوب احاطه شده است (18 / P. 98). ابرهای باران‌زای مدیترانه‌ای پس از بارش فراوان در لبنان، با کوه‌های یاد شده برخورد کرده، باعث بارش بیشتر در آن دره بارور می‌گردند. هم از این روی، بارش، به‌ویژه در بیابان سوریه اندک است (15 / P. 19). بدان معنا که کوه‌ها مانع رسیدن ابرهای باران‌زا به آسمان سوریه می‌گردند.

با آنکه بارشهای سوریه از لبنان کمتر و آبیاری در آن دشوارتر بوده، کشاورزی آن سرزمین برای بیزانس، همواره اهمیت بسیار داشته است. آناتولی با آب و هوای سردترش، به فراورده‌های کشاورزی سوریه وابسته بود (20 / P. 245). ناحیه شمال حلب، مرکز عمده کشت زیتون و آناتولی بازار روغن زیتون آن بود. ناحیه واقع در شرق مسیر میان رقه و دمشق تا بندر عقبه، تاکستانهای پرباری داشت و شراب مرغوب آن هم به آناتولی صادر می‌شد (21 / P. 47). افزون بر فراورده‌های غذایی، مواد کانی و الوار سوریه نیز، برای بیزانس بسیار ارزشمند بود (۱ / ص ۲۶۴). بدین سان، با آنکه طرحهای آبیاری در سوریه از عراق پرهزینه‌تر بود و در مقایسه با آن، سوددهی کمتری داشت (20 / P. 245)، کارگزاران رومی سوریه از سرمایه‌گذاری‌های کلان در طرحهای آبیاری آن سامان، حمایت می‌کردند. ناگفته نماند که اهمیت اماکن متبرکه مسیحی در سوریه و درآمدزا بودن آن برای رومیان نیز، در این باره بی‌تأثیر نبود (21 / P. 47; 20 / P. 245). با دانستن آنچه گذشت، سخن هراکلیوس به گاه از دست دادن سوریه را بهتر درمی‌یابیم. وی در آن هنگام چنین گفته بود: «بدرود سوریه، ای سرزمین زیبایی که از آن دشمن خواهی شد (19 / P. 209)».

سوریه از جایگاه ارتباطی نیرومندی نیز برخوردار بود. آن سرزمین بر سر راههای عربستان، عراق، ایران و خاور دور جای داشته است. راه زمینی مصر به آسیا نیز، از سوریه می‌گذرد (۱ / ص ۲۶۵). دمشق در گذار تاریخ، پایانه راههای بازرگانی بسیاری بوده است (19 / P. 99). در روزگاران کهن، پیامبر شاه یهود، داوود<sup>(ع)</sup> با سلطه بر شاهراهی که سوریه و لبنان را به عربستان و مصر متصل می‌ساخت، توانست پادشاهی یهود را به عظمت برساند (19 / P. 96). حدود یک هزاره پس از آن نیز، عیسی مسیح<sup>(ع)</sup>، از جایگاه ارتباطی سوریه بهره گرفت و با سخن گفتن به زبان رسمی و بین‌المللی وقت آن سرزمین یعنی آرامی، تبلیغ و جهانی ساختن آیین خود را آغاز کرد (18 / P. 100). به هر روی، سلطه بر سوریه، فرمانروایی بر مدیترانه خاوری را در پی داشت. در سده‌های میانه، مدیترانه خاوری گلوگاه حوزه‌ای استراتژیک بود که قدرتهای بزرگ از آنجا توان اشراف بر جهان میانه را می‌یافتند (۱۳ / ص ۳۹؛ ۱ / ص ۲۶۵). مسلمانان نیز با فتح سوریه، چنین توانی را یافته و در این باره، رقیب امپراتوری روم به‌شمار می‌رفتند.

بر پایه آنچه که گذشت، سوریه از ارزش راهبردی و اقتصادی بسیار برخوردار

روم به‌عنوان یک ابرقدرت همسایه، نمی‌توانست آن را نادیده انگارد (۱۳ / ص ۳۹). [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

آن امپراتوری به دنبال از دست دادن سوریه، با انگیزه بازستانی آن، گروههایی از مسیحیان مرزهای کوهستانی شام و آناتولی را علیه مسلمانان حاکم بر سوریه برمی‌انگیخت. خطر حمله المردة یعنی این مسیحیان هم‌پیمان با بیزانس، سوریه را همواره تهدید می‌نمود (همان / ص ۳۹).

خطر حمله خود امپراتوری نیز جدی بود. سرزمین شام، از سوی شمال با خطر حمله زمینی بیزانس و در سراسر کرانه‌های مدیترانه‌ای خود با خطر حمله دریایی آن روبه‌رو بود (21 / P. 39) و اعراب باید در دو جبهه یاد شده استحکامات دفاعی نیرومندی می‌ساختند (23 / P. 41). ناگفته پیداست که در چنین شرایطی آنان می‌بایست یکپارچه مانده و از جایگاهی نیرومند و بی‌تنش برخوردار باشند. چرا که هرگونه ناآرامی در سوریه، به یک فاجعه همگانی می‌انجامید (23 / P. 41). ولی، همان‌گونه که گذشت، دعوای زمین در آنجا، زمینه تنش اجتماعی سختی را پدید آورده بود.

### چاره دشواری

در این باره، ۴ نکته درخور بررسی است که تقسیم دوباره زمین، نخستین آن می‌باشد.

#### ۱- تقسیم دوباره زمین در سوریه

افزون بر تنش یاد شده و در ارتباط با آن، دشواری دیگری نیز، در سوریه نمایان گشت: جمعیت رخت بر بسته از سوریه به اندازه‌ای انبوه بود که بازرگانی و کشاورزی آن سامان آسیب‌پذیر گشته بود. برای حفظ رونق تجاری و آبادان ماندن کشتزارهای رها شده، می‌بایست جمعیت شهرهای خالی از سکنه، جایگزین و اسکان داده شده، زمینها از نو تقسیم می‌گشت (23 / P. 41). بدین روی، سوریه موقعیتی حساس یافته بود و عمر برای کمک به یافتن راه چاره، خود آهنگ آنجا نمود (23 / P. 41).

تصمیم نهایی که از سوی خلیفه پذیرفته شد، تقسیم دوباره خانه‌ها و زمینهای رها شده بود: املاک یاد شده، میان فاتحان و مسلمانان عرب بومی، به‌طور برابر تقسیم گردید. ایالت شام، مانند زمان فرمانروایی رومیان، به چهار ناحیه نظامی بخش‌بندی شد و هر ناحیه، جُند (یعنی سپاه) نام گرفت. ناحیه‌های چهارگانه عبارت بودند از: حمص، دمشق، اردن و فلسطین. در هر ناحیه، شمار درخوری از قبایل همگن اسکان یافتند. این

ساکنان تازه می‌توانستند در فعالیتهای عادی اقتصادی ناحیه شرکت داشته باشند و هم زمان می‌بایست از ناحیه خود به‌ویژه و همه ایالت دفاع کنند (۶/صص ۱۲۹، ۱۵۱؛ ۱۲/ج ۱، صص ۸-۲۳۴۷، ۲۴۰۳، ۲۴۰۷، ۲۵۲۱، ۲۵۲۳؛ ۳/ج ۱، صص ۵۵۳، ۵۵۶). بدین منظور، شمار بسیاری از فاتحان یمنی در دمشق و به‌ویژه حمص اسکان یافتند و به آنان خانه و سرمایه داده شد. ایشان فرصت خوبی برای پرداختن به بازرگانی یافتند، ولی می‌بایست هنگام حمله زمینی بیزانس، از مرزهای شمالی شام دفاع کنند (۶/صص ۱۲۲، ۱۳۱؛ ۱۲/ج ۱، صص ۲۲۵۰؛ ۳/ج ۱، صص ۵۹۱). ناگفته نماند که این گروه از فاتحان در شکوفایی دوباره تجارت شام تأثیر بسزایی داشتند (۷/صص ۱۹۱). به اعراب سوری نیز در کرانه‌های بارور مدیترانه زمین داده شد تا با انگیزه نگه داشتن آن زمینها، در برابر حمله‌های دریایی روم ایستادگی کنند (۶/صص ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۴۴، ۲۵۰). بدین سان، فاتحان یمنی و اعراب سوری منافع مشترک یافتند و همسو گردیدند (۷/صص ۱۹۵؛ ۴۲/ P. 23، 218، 216 / P. 19). از این روی، آنان همگی خود را یمنی دانستند. دلیل گروه نخست، مهاجرتشان از یمن و گروه دیگر تبار ادعایی یمنی آنان بود (۴۲/ P. 23).

## ۲- فتح مصر و جزیره

با فتح مصر و جزیره، تنش‌زدایی اجتماعی در شام و دفاع از آن سرزمین آسانتر گردید. کوتاه زمانی پس از فتح شام، شماری از قبایل فاتح که تا اندازه‌ای احساس غبن داشتند، آهنگ فتح مصر نمودند (۴۲/ P. 23). مصر و سوریه از پیوند عمیق جغرافیایی-سیاسی برخوردار بوده‌اند و سلطه بر یکی از آن دو، راه دستیابی به دیگری را هموار می‌ساخته است. بدین روی، آن دو سرزمین از همانندی دیرین تاریخی برخوردار بوده و در روزگاران کهن و سده‌های میانه سرنوشتی یکسان داشته‌اند (۱۰/صص ۴۸۶). برای نمونه، اندکی پیش از فتوح، ساسانیان با سلطه بر سوریه و بهره‌گیری از پایگاههای آن، به آسانی بر دره بارور نیل دست یافته بودند (۱۵/صص ۴۶۸؛ ۱۶/صص ۳۶۸؛ ۹/صص ۵۱۳ و ۵۱/ P. 22). اندکی پس از فتوح نیز، بیزانس با داشتن مصر، توان تهدید شام از جنوب و خاور مدیترانه را داشت. ناگفته نماند که ارتپان، یکی از برجسته‌ترین فرماندهان بیزانسی، چنین اندیشه‌ای داشته است (۱۰/صص ۴۸۵). بدین سان، فتح مصر، افزون بر دور ساختن شماری از قبایل تنش‌آفرین از شام، دفاع از آن سرزمین را هم آسانتر گرداند.

فتح جزیره نیز تأثیری همانند داشت: گروهی دیگر از فاتحان آغازین که آنان هم، احتمالاً از چگونگی اسکان در ناحیه‌های چهارگانه ناخشنود بودند، آهنگ فتح جزیره نموده یا اجازه آن کار را یافتند (۶/ صص ۱۷۷-۱۷۶؛ ۱۲/ ج ۱، ص ۲۵۰۷). با رخت بریستن آنان نیز، زمینه تنش در شام کاهش یافت. ناگفته نماند که یکی از امتیازات بسیار مهم فتح آسان سرزمین پهناور و ثروتمند جزیره، امن شدن مرزهای خاوری سوریه در برابر امکان حمله‌های بیزانس از آبراه فرات بود (23 / P. 42).

### ۳- نظام مالیاتی

نظام مالیاتی فاتحان در سوریه نیز، با وفاق اجتماعی هماهنگ و رضایت‌بخش بود (۴/ ص ۵۰۰؛ ۶/ ص ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۰). مسلمانان زمیندار عشریه (یک دهم درآمد زمین) و غیرمسلمانان جزیه و خراج می‌پرداختند. این خراج و جزیه در جاها و شرایط گوناگون، گونه‌گون بود. در این باره، نظام مالیاتی بیزانس، پایه به‌شمار می‌رفت و از این روی، کارکنان مالیاتی دوران بیزانسی همچنان بر سر کار ماندند. درباره نظام مالیاتی روم در سوریه، نادانسته‌هایی هست (23 / P. 43-44)، ولی مالیاتهای وضع شده از سوی مسلمانان، مطمئناً کمتر بود. بیشتر این مالیات اندک نیز، برای اداره ایالت هزینه می‌شد و مانده آن برای ساختن دژهای ساحلی، به‌ویژه برپایی یک ناوگان دریایی به کار می‌رفت (۶/ ص ۱۲۸). با این همه، بخشودگیهای مالیاتی بسیار و برخوردار شدن از آن آسان بود (همان / ص ۱۲۴).

### ۴- برنامه مهاجرتها به شام

از آنجا که حفظ ثبات در شام به یکپارچگی آن بستگی داشت، سیاست فاتحان بر نظم بخشیدن مهاجرتها به آن سامان استوار گشت. بدین منظور، فقط اعرابی اجازه مهاجرت به شام را می‌یافتند که از قبیله مهاجران پیشین بدان‌جا بوده یا از قبایل هم‌سوخ آنها باشند (۵/ ج ۱۸، صص ۶۹-۷۰؛ ۱۲/ ج ۱، صص ۲۱۸۷-۸، ۲۲۱۸). عمر و عثمان هم، همانند مردم سوریه نیک می‌دانستند که آن ایالت باید از مهاجرتهای لجام‌گسیخته‌ای که به عراق می‌شد، مصون بماند تا ثبات و امنیتش در برابر خطر حمله بیزانس آسیب نبیند (23 / P. 74). می‌شد، مصون بماند تا ثبات و امنیتش در برابر خطر حمله بیزانس آسیب نبیند (23 / P. 43).

بدین روی، آن ولایت از ناآرامیها و تنشهای اجتماعی برآمده از بی‌نظمی مهاجرتها به دیگر ولایات، برکنار ماند (23 / P. 43).

همزمان، مسیحیان سوری از آزادی کامل برخوردار بودند و با آنان همانند مسلمانان رفتار می‌شد (22 / P. 65). آن دسته از مسیحیان یاد شده که پیشتر در خدمت روم بودند، در امور مالی به کارگمارده شدند (۸/ ص ۳۴؛ ۱/ ص ۱۲۶). در این باره می‌توان از سرجون‌بن منصور و پسرش منصوربن سرجون یاد کرد (۸/ ص ۳۴). و بدین روی نیز، مسلمانان و مسیحیان سوریه از همزیستی و انضباط نیکو برخوردار بوده و با دیگر اعراب تمایز داشتند (۱/ ص ۱۲۷ و 22 / P. 65). بر پایه آنچه گذشت، در سوریه، برخلاف عراق، نظم و آرامش گسترش یافت (22 / P. 65; 23 / P. 74) و در آنجا از پادگان‌شهرهایی که در دیگر ایالتها، کانون تنش و هرج و مرج قبیله‌ای به‌شمار می‌رفتند، خبری نبود (22 / P. 65). ناگفته نماند که اعراب سوری از گذشته‌های دور با تمدن عالی بیزانسی آشنا بوده و با نظم و فرمانبرداری از حکومت خو گرفته بودند (۱/ صص ۱۲۷-۱۲۶).

گسیل نیرو از شام به مرزها نیز، با عراق و مصر متفاوت بود: در عراق این کار در دو پادگان شهر کوفه و بصره انجام می‌شد. کوفه در ناحیه مداین و نزدیک حیره، پایتخت کهن لخمیان بود و بصره میان صحرا و بنادر خلیج فارس جای داشت. در مصر نیز نیرو از پادگان شهر نو ساخته فسطاط (قاهره قدیم پسین)، در دهانه دلتای نیل، گسیل می‌شد (20 / P. 208). ولی در سوریه، به دلیل همزیستی و نظم یاد شده، فاتحان شهر باستانی دمشق را به پایتختی برگزیده و به جای ساختن پادگان‌شهر، نیروها برای کشورگشایی یا نبرد با بیزانس، از همان شهر گسیل می‌شدند (20 / P. 208) و (۱/ ص ۱۲۷).

به هر روی، وفاق اجتماعی در شام باعث گردید تا دست‌اندرکاران غیر عرب صنعت کشتی‌سازی آن سامان، از همان آغاز با فاتحان همکاری نمایند و سوریه دارای یک نیروی دریایی کارآمد شود (20 / P. 204; 19 / P. 218). این نیرو توانست حمله‌های نیروی دریایی نیرومند بیزانس در مدیترانه را دفع کرده و در برابر آن، حالت تهاجمی بیابد (۱۱/ ج ۴، صص ۲۸۸-۲۹۲). بدین‌سان، مردم سوریه، مسؤولیت دفاع از آن ایالت در برابر امپراتوری روم را به انجام رسانده و آن امپراتوری را از بازستاندن سوریه ناامید کردند (۲/ صص ۲۵۵؛ ۱۱/ ج ۴، صص ۲۸۸-۲۹۲؛ ۱۴/ ج ۲، صص ۳۳۸).

## نتیجه

بر پایه آنچه که گذشت، مردم سوریه و یمن که از پیش از اسلام با اشراف مکی روابط بازرگانی گسترده داشتند، پس از اسلام، رهبری آن اشراف را پذیرا گشته و محور نیرومند شام، حجاز و یمن را پدید آوردند. در این میان سوریه از انسجام نیکویی برخوردار شد. حفظ این انسجام، بیشتر به خاندان ابوسفیان واگذار شد. چرا که آن خاندان، از پیش از اسلام با مردم شام روابط بازرگانی گسترده‌ای داشت (۷/ ص ۱۹۵ و 20 / P. 208; 23 / P. 43) و ابوسفیان، خود دارای یک مزرعه در نزدیکی دمشق بود (23 / P. 43). به هر روی، محور شام، حجاز و یمن از توان بالای تجاری و نظامی برخوردار گردید و توانست در برابر خطر حمله روم به‌خوبی پایداری کند. در این میان، معاویه که او نیز در گذشته با مردم شام روابط ویژه‌ای داشت (۷/ ص ۱۹۵)، برجسته‌ترین نقش را ایفا نمود و راه دستیابی وی به خلافت، به‌عنوان سر سلسله خلفای اموی هموار گردید.

## منابع

- ۱- آری، برتولد اشپولر، لمبتون. تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲- ابن عبدالحکم. فتوح مصر و اخبارها، طبع لیدن، مکتبه المثنی، بغداد، ۱۹۲۰.
- ۳- ابن عساکر. تاریخ دمشق، ج ۱، بعناية صلاح‌الدین المنجد، دمشق، ۱۹۵۱.
- ۴- ابو عبید القاسم بن سلام. کتاب الاموال، تحقیق و تعلیق محمد خلیل هراس، الطبعة الاولى، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۶.
- ۵- اصفهانی، ابوالفرج. الاغانی، ج ۱۸، بولاق، ۱۲۸۵.
- ۶- بلاذری، ابوالحسن. فتوح البلدان، مراجعه و التعلیق: رضوان محمد رضوان، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۳.
- ۷- بیضوی، ابراهیم. الحجاز و الدولة الاسلامیه، الطبعة الاولى، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، بیروت، ۱۹۸۳.
- ۸- حلاق، حسان. دراسات في التاريخ الحضارة الاسلامية، الطبعة الاولى، دارالنهضة العربيه، بیروت، ۱۹۸۹.

- ۹- زرین کوب، عبدالحسین. *ایران قبل از اسلام*، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
- ۱۰- سالم، سید عبدالعزیز. *تاریخ الدولة العربیة، دارالمنصه العربیة، بیروت، ۱۹۷۰.*
- ۱۱- طبری، محمدبن جریر. *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۴، راجعه و صححه و ضبطه نخبة من العلماء، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۸۹.
- ۱۲- طبری، محمدبن جریر. *تاریخ الرسل و الملوک*، بعناية دخویه، ولایدن، ج ۱، مکتبه الاسدی بطهران، ۱۸۸۲-۱۸۸۱.
- ۱۳- طقوش، محمد سهیل. *دولت امویان، ترجمه حجت‌الله جودکی، چاپ اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰.*
- ۱۴- عثمان، فتحی. *الحدود الاسلامیة السیز نظیة، القاهرة، ۱۹۳۵.*
- ۱۵- کریستن سن، آرتور. *ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.*
- ۱۶- گیرشمن، رومن. *ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ پنجم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.*
- ۱۷- نت، دانیل. *مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش آن به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ سوم، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۸.*

- 18- Covensky, Milton. *The Ancient Near Eastern Tradition*. New York and London: Harper & Row Publishers, 1966.
- 19- Hitti, Philip. *The Near East in History*. New York: Nestrand Company, 1961.
- 20- Hodgson, Marshall. *The Venture of Islam, Vol 1*, Chicago and london: The University of Chicago Press, 1974.
- 21- Lapidus. *A History of Islamic Societies*. U.S.A: Cambridge University, 1995.
- 22- Saunders, J.J. *A History of Medieval Islam*. London: Routledge, 1996.
- 23- Shaban, M.A. *Islamic History, Vol 1*, Great Britain: Cambrige University Press, 1994.